

فصلنامه پژوهش حقوق
سال سیزدهم، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۰، ویژه نامه حقوق ارتباطات
صفحات ۳۰۸-۲۶۹

مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی

دکتر باقر انصاری B_Ansari@sbu.ac.ir

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۲۰

چکیده

تنظیم رابطه بین وسایل ارتباط جمعی و قوه قضائیه از مسائل مهم میان رشته‌ای حقوق است که در کشورهای مختلف، از اهمیت خاصی برخوردار است. اصل علنی بودن محاکمات، آزادی اطلاعات و آزادی بیان با توجه به منافع مهمی که عاید جامعه می‌کنند از مهمترین مبانی حق دسترسی رسانه‌ها به دادگاهها و اطلاعات قضایی محسوب می‌شوند. در مقابل، برخی از اصول دادرسی منصفانه، نظم عمومی و اخلاق حسنه ايجاب می‌کنند که از حضور رسانه‌ها در محاکم و دسترسی آنها به اطلاعات قضایی جلوگیری شود.

ایجاد تعادل بین این دو دسته منافع به نحوی که یکی در برابر دیگری نفی و قربانی نشود امر بسیار ظریف و دقیقی است که برخی کشورها در یک روند تدریجی، تدابیر و ابتکارهای مختلفی را بویژه با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، برای برقراری این تعادل بکار بسته‌اند.

در نظام حقوقی ما به نظر می‌رسد که تعادل و سازش درستی بین این دو دسته منافع برقرار نشده است. تفسیر مضیقی از اصل علنی بودن مورد توجه قرار گرفته و باوجود تصویب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در سال ۱۳۸۸، هنوز کم و کیف اعمال این قانون بر اطلاعات قضایی مشخص نیست.

این مقاله با نگاه تطبیقی، ابتدا مبانی و حدود حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی را تبیین کرده، سپس، انواع شیوه‌های دسترسی و در نهایت، وضعیت حق دسترسی به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی در نظام حقوقی ایران را مورد مطالعه قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: آزادی اطلاعات، رسانه، اطلاعات قضایی، دسترسی به دادرسی.

مقدمه

نحوه تنظیم رابطه بین رسانه‌ها و قوه قضائیه، از مسائل مهمی است که در کشورهای مخد مطرح است. پرسش‌های مهمی در دل این مسئله مطرح است. از جمله اینکه آیا رسانه‌ها دسترسی به دادرسی^۱ و اطلاعات قضایی دارند؟ منظور از دسترسی به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی چیست؟ شیوه‌های دسترسی کدامند و آیا همه اطلاعات ناشی از انواع شیوه‌های دسترسی می‌توان منتشر کرد؟

پاسخ به این پرسش‌ها چندان آسان نیست و مستلزم توجه به ظرافت‌های خاصی است. به خلاصه می‌توان دو دسته عوامل را در پیدا کردن راهکارهای مناسب برای این مسئله دخیل دان از یک سو، اصل علنی بودن دادرسی‌ها، آزادی بیان و مطبوعات و حق دسترسی به اطلاعات؛ ایجاب می‌کنند که رسانه‌ها حق دسترسی به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی داشته باشند؛ از دیگر، رعایت اصل برائت، حق دفاع متهم، حقوق خصوصی بویژه حق حریم خصوصی، جلسات دادرسی، اخلاق حسنه و نظم عمومی ایجاب می‌کند که دسترسی رسانه‌ها به بر دادرسی‌ها محدود شود.

هنر و فن حقوق باید دست به دست هم دهند تا بین این دو دسته منافع ظاهراً متعارض سه ایجاد کنند. مشخص کنند که در چه مواردی دسترسی مجاز است و در چه مواردی، ممنو محدود.

در نظام حقوقی ما به نظر می‌رسد که تعادل و سازش درستی بین این دو دسته منافع برقرار ن است. شاهد این ادعا آن است که از یک سو، برخی قوانین، انتشار گزارش محاکمات به نه که منجر به شناسایی هویت متهم شود را جرم شناخته‌اند اما در عمل، محاکمات مختلفی از بر رسانه‌ها بویژه از صدا و سیما منتشر شده است که در آنها، هویت متهمان کاملاً افشا شده است این رو، پرسش آن است که چرا بین قانون و رویه مغایرت وجود دارد؟ آیا قوانین موجو مقتضیات فعالیت‌های رسانه‌ای متناسب نیستند یا اینکه رسانه‌های ما خارج از موازین قانونی د می‌کنند و باید خود را با قوانین موجود تطبیق دهند؟

از سوی دیگر، در حال حاضر که قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸، دسترسی به اطلاعات دستگاه قضا را نیز شامل می‌شود مسئله نسبت بین این قانون و قوانینی

۱. عبارت «دسترسی به دادرسی» از عبارت «دسترسی به دادگاه» که بر مکان دلالت دارد، اعم است.

دسترسی به اطلاعات قضایی را محدود می‌کنند نیز مطرح است. طبق این قانون، اصل بر آزادی اطلاعات است و تنها در موارد استثنایی می‌توان از ارائه اطلاعات درخواستی، امتناع کرد. به این ترتیب، دسترسی به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی مبنای مؤید دیگری نیز پیدا کرده است که باید معلوم شود که آیا دستگاه قضایی آمادگی لازم برای رعایت این قانون و اقتضات آن را دارد. با توجه به مطالب فوق، در این مقاله، ابتدا مبانی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و حدود این حق، سپس انواع شیوه‌های دسترسی و در نهایت، وضعیت حق دسترسی به دادرسی‌ها در نظام حقوقی ایران مطالعه می‌شود. با توجه به اینکه آشنایی با تجربیات کشورهای دیگر در این زمینه می‌تواند مفید باشد، در این مقاله، سعی شده است که وضعیت رابطه رسانه‌ها با دادرسی‌ها در سایر کشورها نیز مورد مطالعه تطبیقی قرار گیرد.

بخش اول: مبانی و حدود حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی

بند اول: مبانی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها

دلایل و توجیحات مختلفی درباره ضرورت دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها وجود دارد. این توجیحات را می‌توان به لحاظ سیر تاریخی پیدایش و پذیرش آنها در نظام‌های مختلف حقوقی، به سه دسته تقسیم کرد: توجیحات مربوط به اصل علنی بودن دادرسی‌ها، توجیحات مربوط به آزادی بیان و اطلاع‌رسانی و توجیحات مربوط به حق دسترسی به اطلاعات.

الف) اصل علنی بودن دادرسی‌ها

۱. مفهوم علنی بودن

در بیان محتوای اصل علنی بودن دادرسی‌ها می‌توان دو دیدگاه متفاوت را از هم متمایز کرد: دیدگاه سنتی و دیدگاه جدید. بر اساس دیدگاه سنتی، منظور از علنی بودن دادگاه‌ها این است که جلسات دادرسی باید جز در موارد استثنایی به صورت علنی برگزار شود و معنای علنی بودن این است که در جلسات دادرسی به روی عموم باز باشد و مانعی در برابر حضور فیزیکی افراد در این جلسات ایجاد نشود. این دیدگاه که برگرفته از نظرات بنتام است (Department for Constitutional Affairs, 2004, p.11) با تعریف مضیق از علنی بودن، آن را به عدم ایجاد مانع در برابر حضور مستقیم و فیزیکی افراد در جلسات دادرسی معنا می‌کند.

با این حال، امروزه در نظام قضایی برخی کشورها، برای ارتقای جایگاه اصل علنی بودن توجه به تحولاتی که در عرصه فناوریهای ارتباطاتی رخ داده است دیدگاه نسبتاً موسعی نسبت به علنی بودن پیدا شده است که با تأکید بر شفافیت قضایی، از یک سو، از حضور غیرمستقیم غیرفیزیکی افراد در جلسات دادگاهها حمایت می‌کند و از سوی دیگر، از انتشار آراء و تصمیمات محاکم. بر این اساس، ایجاد مانع در برابر حضور غیرفیزیکی و با واسطه افراد در جلسات دادگاه می‌تواند نقض اصل علنی بودن باشد (Stepniak, 2008, p.399). این معنا از علنی بودن روز به روز جایگاه بیشتری در کشورهای مختلف پیدا می‌کند با فلسفه و مبانی علنی دادرسی‌ها سازگارتر است.

با توجه به معنای موسع اصل علنی بودن توجه به نکات زیر لازم است:

۱. نخست اینکه، مقتضای اصل علنی بودن، علنی بودن محاکمات برای عموم مردم است. بر اساس، استفاده از هر وسیله‌ای که به کمک آن بتوان عموم مردم را از محاکمات مطلع ساخت باید جایز باشد. وسایل ارتباط جمعی با توجه به داشتن چنین کارکردی، در برخی کشورها در مقایسه با افراد، از حق دسترسی بیشتری برخوردار هستند و در صورت وجود محدودیت فضا و مکان در جلسات دادگاهها، حضور آنها بر حضور افراد اولویت داده می‌شود (ort on Access to Court Information, 2008, p.27). بنابراین، حضور افراد نمایندگان رسانه‌ها تنها جلوه‌هایی از اصل علنی بودن هستند و علنی بودن نباید به این جلوه، محدود و محصور شود.
۲. نکته دوم آن است که در کشورهایی که معنای موسع از اصل علنی بودن را پذیرفته اند، علنی بودن دادگاهها گسترش پیدا کرده و به اصل علنی بودن اجرای عدالت یا شفافیت دادگستری ارتقا یافته است. طبق این اصل، مراحل مختلف دادرسی‌ها باید شفاف و علنی و به علنی بودن جلسات دادرسی نباید بسنده شود.
۳. نکته سوم به حدود آزادی رسانه‌ها در استفاده از اطلاعات ناشی از دسترسی به جلوه دادرسی و اطلاعات قضایی مربوط می‌شود: افراد یا رسانه‌هایی که به دادرسی‌های دسترسی پیدا کرده اند آیا صرفاً باید به استماع و نظاره پردازند؟ آیا می‌توانند یادداشت بردارند؟ آیا می‌توانند عکس برداری کنند؟ آیا می‌توانند فیلم برداری کنند؟ آیا می‌توانند جلسه دادرسی را از شبکه رادیویی یا تلویزیونی پخش کنند؟ به دیگر سخن، لو اقتضائات اصل علنی بودن دادرسی‌ها چیست؟

۲. مبانی اصل علنی بودن

در خصوص ضرورت و مبنای علنی بودن دادرسی‌ها معمولاً به چند دلیل زیر استناد می‌شود (ر.ک.: خالقی، ۱۳۸۳، صص ۳۸-۳۹؛ هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ۱۳۸۱، صص ۴۰۹-۴۱۲؛ صابر، ۱۳۸۸، صص ۱۸۱-۱۹۰):

۱. علنی بودن دادرسی‌ها به افزایش پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری قضایی منجر می‌شود. در نظام حقوقی همه کشورهای، کم و بیش، اختیارات زیاد و بسیار مهمی به دادرسان اعطا شده است که با حقوق و آزادیهای اساسی مردم مرتبط هستند و بخش عمده‌ای از این اختیارات نیز جنبه تشخیصی و تخییری دارد. یعنی اتخاذ تصمیم در خصوص یک امر، تنها به تشخیص دادرس منوط شده است. برای مثال می‌توان از اختیار صدور یا عدم صدور قرار تفتیش منزل یا قرار وثیقه یا قرار تأمین خواسته و دستور موقت نام برد که در غالب این موارد، اختیار تشخیصی و غیرقابل‌کنترلی به قاضی داده شده است. یکی از اصول حقوق عمومی آن است که داشتن اختیار با مسئولیت و پاسخگویی ملازمه دارد. اگر بر اعمال این گونه اختیارات قضایی، نظارت و کنترلی صورت نگیرد مقامات قضایی ممکن است به افراد خودرأی تبدیل شوند. اصل علنی بودن برای جلوگیری از این تالی فاسد و نظارت بر عملکرد قضات ضرورت دارد.

۲. علنی بودن دادرسی‌ها کارآیی قوه قضایی را بالا می‌برد. حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادرسی سبب می‌شود که دادرسان و سایر عوامل قضا اعم از طرفین دعوا، و کلا، شهود و کارشناسان با مشاهده ناظر عینی و بیرونی بر اعمال و گفتار خود، وظایف خویش را با رعایت قوانین و با دقت و احتیاط انجام دهند. مطالعات میدانی در برخی کشورها نشان می‌دهد که و کلا و قضات به هنگامی که از حضور رسانه‌ها در جلسه مطلع می‌شوند آماده‌تر در جلسه حاضر می‌شوند (Stepniak, Op.cit., p.391).

۳. اعتماد عمومی به قوه قضائیه را افزایش می‌دهد. در جوامع امروز که گفته می‌شود دوره انتقام خصوصی سپری شده است قوه قضائیه مرجع نهایی تظلمات محسوب می‌شود. چنانچه دادگاهها در رسیدگی به تظلمات عادلانه عمل کنند و مرتکب تبعیض یا جانبداری نشوند توسل مردم به دادگستری و تمکین آنها به آراء دادگاهها بیشتر خواهد شد و در غیراین صورت، آنها اعتماد خود را به دستگاه قضا از دست خواهند داد و این ضایعه بزرگی برای هر کشور قانونمدار محسوب می‌شود. از این رو، گفته می‌شود که برای ایجاد اعتماد عمومی به

دستگاه قضا، باید دیده شود که عدالت در دادگاهها اجرا می شود نه اینکه شود (Spigelman, 2006, p.1).

۴. اصل علنی بودن یکی از ابزارهای عدالت درمانی محسوب می شود. بدین معنا که به اشخاصی که حق آنها تضییع شده یا به آبرو و شهرت و اعتبار آنها لطمه وارد شده است، اعلنی بودن، سبب تسکین خاطر و احساس درمان و بهبود و ترمیم وضعیت است: زمانه حقانیت یا بی گناهی یک شخص و مجرمیت یا تقصیر طرف مقابل او در حضور مرد رسانه ها اعلام می شود احساس می کند که از وی رفع ظلم شده و اعتبار آسیب دیده اش ترمیم یافته است.^۱

۵. اطلاع رسانی درباره آنچه در دادگستری و محاکم می گذرد کارکرد آموزشی دارد و به دانش حقوق مردم و اطلاعات آنها درباره قوانین و جرایم و مجازاتها را بالا می برد (Paper 4, 1984, No. 4.38-4.41).

ب. آزادی بیان و اطلاع رسانی

یکی دیگر از مبانی دسترسی رسانه ها به دادرسی ها، حمایت از آزادی بیان و اطلاع رسانی است (ر.ک.: معتمد نژاد، حقوق ارتباطات، ج ۱۳۸۶، ص ۱۶۷ و بعد). در واقع، جستجو و جمع آوری انواع اطلاعات و ارائه نقد و تحلیل درباره مسائل مهم جامعه نظیر مسائل قضایی، از حقوق قاضی رسانه ها است. ماده ۵ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ می گوید: «کسب و انتشار اخبار داخل خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قواعد حقوق قانونی مطبوعات است».

برخلاف اصل علنی بودن دادرسی ها که امکان حضور افراد و رسانه ها در جلسات دادرسی فراهم می کند آزادی بیان و اطلاع رسانی به رسانه ها کمک می کند تا اعم از آنکه در جلسه دادرسی حضور داشته باشند یا نه، در مورد مقامات، اقدامات و تصمیمات قضایی، نقد و تح

۱. در مذاکرات خبرگان قانون اساسی راجع به اصل علنی بودن نیز به این مبنا اشاره شده و یکی از اعضا تصریح است که چه بسا شخصی بخواهد به اجتماع وابسته به خودش در دادگاه صالح ثابت کند که مظلوم واقع شده است بنابراین، اگر در دعوای خصوصی نیز یکی از طرفین دعوا تقاضای علنی بودن را داشت باید تقاضای او را پذیرفت. منتها اجازه حضور اجتماع محدود را داد (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۳۰۸).

منتشر کنند (McLachlin, 2003, sec. III). بر مبنای این آزادی، رسانه‌ها می‌توانند برای دسترسی به اطلاعات غیرمدون قضایی با دادرسان و سایر مقامات قضایی مصاحبه کنند؛ برای انجام وظیفه روزنامه‌نگاری تحقیقاتی و مستند، به سراغ طرفین دعوا یا متهم یا شهود دعوا بروند و اطلاعات مورد نظر خود را از آنها کسب کنند؛ اقدامات و تصمیمات قضایی را قبل از اتمام رسیدگی مورد نقد و تحلیل قرار دهند؛ در مورد ادله مورد استناد در دادگاه اظهار نظر کنند؛ به نقد و تحلیل آراء دادگاهها یا نقد قضات و سایر مقامات قضایی پردازند و به طور کلی، در مورد اقدامات و تصمیمات قضایی واجد ارزش خبری، اظهار نظر و اطلاع‌رسانی کنند.

در واقع، آزادی اطلاع‌رسانی متضمن این معنا است که همه نوع اطلاعات اصولاً باید قابل دسترس و قابل انتشار و اشاعه و استفاده باشند. این آزادی صرفاً متضمن حق دسترسی به اطلاعات نیست بلکه علاوه بر دسترسی آزاد به اطلاعات، حق تکثیر و انتشار و اشاعه آزادانه اطلاعات قابل دسترس و استفاده آزاد از اطلاعات برای مقاصد مختلف را نیز دربرمی‌گیرد. یعنی شامل آزادی جستجو و جمع‌آوری اطلاعات و انتشار و اشاعه آنها می‌شود. قطعنامه مجمع عمومی نیز در بیان محتوای این آزادی اعلام کرده است که «این آزادی شامل حق جمع‌آوری، مخابره و انتشار اخبار» (Ibid) از هر جا به جای دیگر می‌باشد.

آزادی بیان و اطلاع‌رسانی در عرصه‌های قضایی، زمینه نظارت عمومی بر اعمال قضایی را فراهم می‌آورد، به کشف حقیقت در دادرسی‌ها کمک می‌کند و با آموزش و اطلاع‌رسانی درباره جرایم و مجازات‌ها و نحوه عملکرد نظام قضایی در تعقیب جرایم و مجازات مجرمان، به پیشگیری از جرایم کمک می‌کند.

ج. حق دسترسی به اطلاعات مؤسسات عمومی

۱. مفهوم

تقریباً از سه دهه پیش، در کشورهای مختلف، قوانینی تحت عنوان «قانون آزادی اطلاعات» یا «قانون حق دسترسی به اطلاعات» تصویب شده که حق دسترسی مردم به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی را شناسایی کرده است. به موجب این حق، عموم مردم اعم از آنکه ذینفع یا ذیسمت باشند یا نباشند می‌توانند با تقدیم درخواست کتبی یا الکترونیکی، به انواع اطلاعات

موجود در مؤسسات عمومی دسترسی یابد (برای مطالعه بیشتر درباره مبانی، منابع و محتوای مذکور، رجوع شود به: انصاری، آزادی اطلاعات، ۱۳۸۷).

در خصوص حق دسترسی به اطلاعات قضایی چند سؤال حائز توجه وجود دارد:

۱. آیا قوه قضائیه تابع قانون آزادی اطلاعات است و باید همانند سایر مؤسسات عمومی اطلاعات مورد نظر متقاضیان را در اختیار آنها قرار دهد یا اینکه از شمول قانون مذکور اس است؟ در پاسخ به این پرسش، برخی کشورها نظیر آلمان، اسپانیا، ایتالیا، مالت، هلند، پرتغال و لاتویا و اسلواکی، قوه قضائیه را از شمول قانون آزادی اطلاعات استثناء کرده اند اما برخی دیگر نظیر انگلستان، بلژیک، اتریش، سوئد، دانمارک، چک، مجارستان، لیتوانی، یونان، لهستان ایرلند، قوه قضائیه را همانند سایر مؤسسات عمومی مشمول قانون آزادی اطلاعات دانسته اند (Report on Access to Judicial Information, 2009). در نظام حقوقی ما، «قا انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»، رویکرد دوم را پذیرفته، قوه قضائیه را از شمول خود اس نکرده است.

۲. منظور از اطلاعات قضایی چیست؟ آیا دسترسی به این اطلاعات همانند دسترسی به سایر اطلاعات است یا اینکه دسترسی به آنها مستلزم احکام خاصی است؟ پیش از پاسخ به این پرسش باید دانست که انواع اطلاعات حائز اهمیت در دستگاه قضا عبارتند از (Carrero, Lopez, 2010, p. 13): اطلاعات راجع به قضات، دادگاهها، مقامات قضایی، میزان حقوق و صوابداری منقول و غیرمنقول قضات و مقامات قضایی، مصوبات مربوط به امر قضا، پرونده‌های حال رسیدگی و پرونده‌های مختومه، آمار قضایی، بودجه قضایی. در کشور ما، «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»، تعریف خاصی از اطلاعات قضایی به دست نمی‌دهد.

۳. با فرض داشتن حق دسترسی به اطلاعات قضایی، از اطلاعات قابل دسترس چه استفاده می‌توان کرد؟ آیا حق مذکور به این معنا است که می‌توان اطلاعاتی را که در دسترس قوه قضائیه منتشر کرد؟ آیا می‌توان از آن اطلاعات برای مقاصد تجاری یا مقاصد دیگر ساخت فیلم سینمایی یا تألیف کتاب و غیره استفاده کرد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها کشورهای مختلف، اختلاف نظر وجود دارد (Copyright Law Review Committee,

2004). ماده ۲ «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» در این باره می‌گوید: «... استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آنها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود».

۴. مبانی حق دسترسی به اطلاعات

استدلال‌ها و توجیحات متعددی در حمایت از حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی وجود دارد (انصاری، پیشین، صص ۳۲-۴۴). برای مثال، از نظر سیاسی گفته شده است که آزادی اطلاعات به تقویت و تعمیق آزادی بیان و مطبوعات منجر می‌شود، مشارکت و نظارت آگاهانه، فعال و معنادار مردم را در امور جامعه تسهیل و تشویق می‌کند. از نظر حقوقی، خلاف قاعده بودن محرمانگی حکومت، وابستگی مبارزه با فساد اداری به حق دسترسی به اطلاعات و فرض تعلق اطلاعات حکومت به مردم، از مهمترین توجیحات آزادی اطلاعات به شمار می‌آیند. علاوه بر این، از نظر اجتماعی، آزادی اطلاعات وسیله توانمندسازی است (ARTICLE 19, 2007). بدین معنا که اولاً، برخورداری افراد جامعه از برخی حقوق شهروندی، ثانیاً استیفای بسیاری از حقوق شهروندی و ثالثاً، حمایت و دفاع از برخی حقوق شهروندی منوط و وابسته به آزادی اطلاعات است. آزادی اطلاعات به افراد جامعه چنان قدرت و توانی اعطا می‌کند که هم خوب بشناسند (قدرت شناخت)، هم خوب تحلیل و بررسی کنند (قدرت قضاوت) و هم خوب از حقوق و امتیازات خود دفاع و حمایت کنند (قدرت دفاع).

بند دوم: حدود دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی

با توجه به آثار و نتایج مفیدی که از حق دسترسی رسانه به دادرسی‌ها ناشی می‌شود تردیدی در ضرورت دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها وجود ندارد. با وجود این، دسترسی بدون کنترل رسانه‌ها به دادرسی‌ها و دخالت آنها در امور قضایی ممکن است توالی فاسد به دنبال داشته باشد. برای مثال، با رعایت اصل برائت و سایر موازین دادرسی منصفانه در تعارض قرار گیرد، به نقض حریم خصوصی اصحاب دعوا و شرکت کنندگان در جلسات دادرسی‌ها منجر شود، امنیت شخصی افراد را در معرض خطر قرار دهد، به منافع تجاری اشخاص لطمه وارد کند، نظم جلسات دادگاهها را مختل کند یا با اخلاق حسنه مغایرت داشته باشد. از این رو، لازم است حدود دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی مشخص شود و بین منافع ناشی از این دسترسی و منافع مرتبط با

منع یا محدود کردن دسترسی، تعادل و سازش ایجاد شود (gelman AC, Op.cit. (p.10).

الف. رعایت اصول دادرسی منصفانه

۱. ایراد اتهام از سوی رسانه‌ها و اصل برائت

رسانه‌ها بویژه به دو صورت ممکن است اصل برائت را نقض کنند: ایراد اتهام و پیشداوری دو امر ممکن است همزمان یا جدا از هم رخ دهند و به محاکمه مطبوعاتی افراد منجر شود توضیح آنکه، اصل برائت اقتضا می‌کند که تا پیش از قطعی شدن مجرمیت یک شخص از نامیدن وی اجتناب شود. از این رو، رسانه‌ها نباید در خلال رسیدگی و پیش از اتمام پیشداوری کنند و فردی را که مظنون است متهم معرفی کنند یا فردی را که هنوز متهم است و محکوم معرفی کنند در غیر این صورت، ممکن است مفتری محسوب شوند. اما گزارش بدون افزودن تفسیر و تحلیل‌هایی که پیشداوری محسوب شود مجاز است (برای ملاحظه شد گزارش محاکمات در حقوق فرانسه ر.ک.: معتمد نژاد، ج ۱، چاپ چهارم، ۱۳۸۵، صص ۲۹۸ و برای ملاحظه شرایط گزارش محاکمات در حقوق کامن لار. ر.ک.: انصاری، حقوق ار جمعی، ۱۳۸۶، صص ۳۸۸-۳۹۱).

همچنین، این پرسش مطرح است که آیا رسانه‌ها می‌توانند با اعلان وقوع جرم، مقامات قضایی را به تعقیب مجرم یا مجرمان احتمالی که چه بسا هویت آنها نیز مشخص یا قابل تشخیص و تحریک کنند یا اینکه این اقدام آنها مداخله در امر قضا و چه بسا افترا است؟ به نظر می‌رسد دفاع از منافع عمومی و گزارش جرائم علیه منافع عمومی یک وظیفه شهروندی است (Madinger, 2000, p. Chapter 11). در نتیجه هر شخصی که به کشف و افشای جرائم کمک کند باید تشویق شود نه تنبیه. البته باید بین افشای یک جرم و افشای آن جرم معرفی مجرمان احتمالی تفکیک قایل شد؛ زیرا فرض دوم با اصل برائت منافاتی ندارد. با این حال، چون در بسیاری از موارد، واقعیت و باطن امر با آنچه در ظاهر به نظر می‌رسد متفاوت است از سوی دیگر، در افشای هر عمل مجرمانه، افرادی به ارتکاب جرم متهم می‌شوند که پس از رسیدگی، ممکن است اتهام آنها اثبات نشود و افشاکننده خود به اتهام افترا^۱ تحت تعقیب

۱. ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی: هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید

گیرد، حتی در فرض نخست نیز، به نظر می‌رسد جز در مواردی که دلایل قطعی و محکمه‌پسند در ارتکاب جرم وجود دارد، افشاکننده، باید از افشای رسانه‌ای جرم امتناع کند و موضوع را صرفاً به مراجع دولتی مربوط اطلاع دهد.

۲. اثر بر طرفین دعوا بویژه بر حق دفاع متهم

حضور رسانه‌ها در جلسات دادرسی و استفاده آنها از وسایل ضبط صوت یا دوربین‌های عکاسی یا فیلم‌برداری ممکن است آرامش و تمرکز طرفین دعوا را در دفاع از خود بر هم زند. برای مثال، صدای تعویض نوارهای صوتی یا تصویری، نور ناشی از فلش دوربین‌ها، ازدحام ناشی از حضور خبرنگاران و تجهیزات آنها، ممکن است به انقطاع کلام یا پرت شدن حواس طرفین دعوا و بویژه متهم، منجر شود و از نظر طرفین دعوا یا متهم، مزاحم و محدود کننده حق دفاع تلقی شوند (Stepniak, Op.cit., pp.357-368).

علاوه بر این، حضور رسانه‌ها ممکن است به لحاظ روانی، طرفین دعوا بویژه متهم را در محذوریت قرار دهد به گونه‌ای که وی به جهات مختلف از جمله به دلیل احساس شرم، نتواند برخی مطالب و دفاعیات را در پیش آنها مطرح کند و در نتیجه، آزادی دفاع از وی سلب شود. البته، این امکان نیز وجود دارد که متهم یا وکیل او با استفاده از حضور رسانه‌ها در جلسه رسیدگی، به تحریک احساسات عمومی دست زند و جریان رسیدگی را به نفع خود تغییر دهد.

همچنین، یکی از لوازم دادرسی منصفانه آن است که وکیل و موکل بتوانند هر زمان که بخواهند با یکدیگر شور و تبادل نظر کنند اما وجود رسانه‌ها ممکن است این آزادی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد و راحتی تبادل نظر را از آنها بگیرد.

نهایتاً اینکه، در یک محاکمه منصفانه، ارزیابی ارزش اثباتی ادله بر عهده دادرس است و چنانچه رسانه‌ها، ادله قابل استناد در دادگاه را قبل از جلسه دادرسی افشا و نقد و ارزیابی کنند ممکن است به ارزش اثباتی آن ادله لطمه وارد شود و امکان ارزیابی بی‌طرفانه آنها از بین برود.

در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد. تبصره - در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند نتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.

۳. اثر بر دادرسان

علنی بودن دادرسی‌ها ممکن است تأثیرات منفی بر دادرس پرونده بگذارد. از جمله اینکه صورت حضور رسانه‌ها در جلسه دادرسی، دادرس ممکن است احساس کند که باید در مه دوربین نقش خود را خوب بازی کنند و ناخواسته، نقش و وظیفه اصلی خود را فراموش کند و بازیگر تبدیل شود. همچنین، انتشار جریان محاکمه ممکن است به تحریک احساسات عمو منجر شود و در نتیجه، دادرس نیز تحت تأثیر این احساسات، بیطرفی را فدای جانبداری کند فشار احساسات و افکار عمومی ممکن است دادرس را در معرض فشار مقامات قضایی یا سیاست قرار دهد و به استقلال دادرس لطمه وارد آورد. البته، مطالعات میدانی در برخی کشورها حاکی آن است که اکثر دادرسان بویژه آنهایی که برای نخستین بار در حضور رسانه‌ها به دعوی رسیدگی می‌کنند، معمولاً در لحظه‌های اولیه جلسه رسیدگی تحت تأثیر حضور رسانه‌ها قرار می‌گیرند اما بعد از گذشت مدتی، این امر برای اکثر آنها عادی می‌شود (Ibid, P.390).

۴. اثر بر شهود

شهادت یکی از مهمترین دلایل اثباتی در نظام قضایی است. در برخی موارد، شهادت مهم است تنها دلیل یا مهمترین دلیل باشد. افشای هویت شهود یا اعلام موضوعی که نسبت به شهادت خواهند داد یا افشای مفاد شهادت شهود از سوی رسانه‌ها ممکن است توالی فاسد زید به دنبال داشته باشد:

- امنیت شخصی و سلامت شهود یا خانواده آنها را در معرض خطر قرار دهد. زیرا، اشخاص که از ادای شهادت متضرر شده اند ممکن است درصدد انتقام گرفتن از شاهد برآیند و - وی یا اعضای خانواده‌اش را به قتل برسانند یا مورد ضرب و شتم قرار دهند. این امر بویژه برخی پرونده‌ها نظیر پرونده‌های مواد مخدر یا جرائم سازمان یافته که مخبران اطلاعاتی نه مهمی در تشکیل پرونده و اثبات اتهام دارند بسیار اهمیت پیدا می‌کند. از این رو، در برخی کشورها، با وضع مقررات خاص، افشای هویت مخبران ممنوع اعلام شده است (Op.cit. dinger).

- بر شهادت شهود تأثیر بگذارد. چنانچه هویت شهود قبل از ادای شهادت افشا شود ممکن است وی به طرق مختلف تهدید یا تطمیع شود تا از ادای شهادت امتناع کند یا شهادت را خوب کم و کیف خاص ادا نماید.

۵. اثر بر هیأت منصفه

در محاکماتی که با حضور هیأت منصفه صورت می‌گیرند با توجه به اینکه اعضای این هیأت از میان اقشار مختلف جامعه انتخاب می‌شوند که غالباً نیز اطلاعات حقوقی ندارند انتشار اطلاعات متهم بویژه افشای سوابق او یا تصاویری که وضع ظاهری وی را نشان می‌دهد ممکن است در قضاوت اعضای هیأت منصفه تأثیر بگذارد. در استرالیا، برای اثبات این فرضیه، دو دادگاه نمایشی و شبیه به هم ترتیب داده شد که در یکی از آنها متهم با لباس و ظاهر زشت به نیمی از مخاطبان شبکه تلویزیونی سراسر کشور نشان داده شد و در یکی دیگر، متهم با ظاهر مناسب و جذاب به نیم دیگر از مخاطبان نشان داده شد. سپس با نظرسنجی از بینندگان معلوم شد که حدود ۴۰ درصد از کسانی که متهم را در ظاهر زشت دیده بودند وی را گناهکار دانسته‌اند ولی تنها ۲۹ درصد از بینندگان وی را در ظاهر جذاب دیده بودند وی را گناهکار تشخیص دانسته‌اند (Ibid, P.394).

ب. حق حریم خصوصی

۱. مفهوم حریم خصوصی

حریم خصوصی، قلمروی از زندگی هر شخص است که نوعاً یا عرفاً یا شخصاً، رضایت ندارد که دیگران به اطلاعات آن قلمرو دسترسی پیدا کنند یا به آن قلمرو وارد شوند. در این تعریف نکات زیر قابل توجه هستند (انصاری، حقوق حریم خصوصی، ۱۳۸۷، ص ۳۸):

اول اینکه، رضایت نقش کلیدی در خصوصی محسوب شدن اطلاعات دارد؛ دوم اینکه، منظور از دیگران هر فردی است که انسان او را غریبه بداند اعم از دولت یا هر افراد دیگر و سوم اینکه، سه ضابطه برای شناسایی مصادیق مشمول این حریم وجود دارد:

ضابطه نوعی، یعنی اینکه برخی جنبه‌های زندگی نوع انسان صرفنظر از جامعه و محیطی که او در آن زندگی می‌کند خصوصی محسوب می‌شود؛ ضابطه عرفی، بدین معنا که عرف برخی جوامع و اجتماعات ممکن است امری را خصوصی بداند و ضابطه شخصی که به موجب آن، انسانها می‌توانند برخی جنبه‌های زندگی خود را که نوعاً یا عرفاً از شمول حریم خصوصی خارج است جزء مسائل شخصی و داخل در قلمرو حریم خصوصی خود اعلام کنند.

حریم خصوصی مقوله‌های مختلفی دارد که دسترسی رسانه‌ها به دادرسی تنها با برخی از در تعارض قرار می‌گیرد که ذیلاً مطالعه می‌شوند:

۱. حمایت از داده‌های شخصی طرفین دعوا

بند الف ماده ۲ «دستورالعمل شورای اروپا در حمایت از داده‌های شخصی»^۱ در تعریف داد شخصی می‌گوید:

«داده شخصی عبارت است از هرگونه داده راجع به یک شخص با هویت مشخص یا قابل شناسایی که مشخص قابل شناسایی کسی است که مستقیم یا غیرمستقیم، به‌ویژه از طریق مراجعه به یک شخصیت هویت یا یک یا چند عامل خاص درباره هویت جسمانی، روانی، ذهنی، اقتصادی، فره یا اجتماعی قابل شناسایی است».

قوانین اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نظیر قوانین کشورهای بلژیک، دانمارک، فنلاند، هلند، آلمان، پرتغال، اسپانیا، سوئد و انگلستان در تعریف داده‌های شخصی با تعریف هماهنگ هستند. قوانین کشورهای پرتغال و فرانسه اضافه کرده اند که داده‌های صوتی و تصویری نیز ممکن است در زمره داده‌های شخصی محسوب شوند. قانون فنلاند اطلاعات راجع به خد یا محل سکونت را داده شخصی قلمداد کرده و اعلام کرده است که داده‌های مربوط به خد در قبال هر یک از اعضای خانواده، داده شخصی تلقی می‌شود. قوانین کشورهای اتریش، ایتالی و لوکزامبورگ، داده‌های شخصی را به اشخاص حقوقی نیز تسری داده‌اند (برای آشنایی بیشتر مفهوم و اصول حمایت از داده‌های شخصی ر. ک.:: انصاری، آزادی اطلاعات، ۱۳۸۷، ص ۲۰۵-۲۱۹).

- یکی از مسائل اختلافی در این باره آن است که آیا استفاده از داده‌هایی که به یک شیء به شخص مربوط می‌شوند، ولی آن شیء به یک شخص مربوط می‌شود، نظیر اتومبیل، خانه، رایانه شخصی، یا استفاده از داده‌های آماری در قبال یک شخص، مشمول مقررات حمایت از داده‌های شخصی می‌شود؟ گاهی ارتباط بین شیء و مالک آن یا دارنده ثبت‌شده آن، نزدیک است که داده‌های راجع به آن شیء، بی‌چون و چرما، داده‌های مربوط به آن شخص می‌شود. بدینسان، برخی نویسندگان، این داده‌ها را شخصی دانسته‌اند: شماره پرونده‌های

اجتماعی، شماره‌های گواهینامه‌های رانندگی، داده‌های راجع به سلامت از قبیل شماره‌های پرونده‌های پزشکی و روانپزشکی، شماره حساب‌های بانکی، اطلاعات راجع به دارایی و ثروت یک شخص جز در مورد برخی مقامات دولتی، اطلاعات گذرنامه، شماره تلفن‌های شخصی، تاریخ تولد بجز سال تولد و جزئیات محل سکونت غیر از شهر و استان محل سکونت (Bertrand, 1999, pp.73-109).

برای حمایت از حریم داده‌های شخصی، دادرس یا مدیر دفتر دادگاه باید از اشخاصی که داده‌های مذکور به آنها مربوط می‌شود بخواهد تا نسبت به دسترسی یا منع دسترسی اشخاص ثالث به داده‌های مذکور نظر خود را اعلام کنند. در صورت مخالفت با دسترسی، داده‌های شخصی نباید در اختیار اشخاص ثالث قرار گیرد.

۲. رسیدگی‌های حساس از نظر حریم خصوصی

برخی رسیدگی‌های کیفی و مدنی به دلیل ارتباط با مسائلی که عرفاً خصوصی تلقی می‌شوند از حساسیت برخوردارند. دعوای راجع به امور زناشویی و خانوادگی نظیر دعوای تمکین، فسخ نکاح یا طلاق به دلیل وجود عیب در زن یا شوهر، دعوای اثبات حجر، دعوای اخذ سرپرستی کودکان بی‌سرپرست از مهمترین دعوای حساس از نظر حریم خصوصی محسوب می‌شوند. در میان دعوای مرتبط با حریم خصوصی دعوای راجع به کودکان و دعوای راجع به جرائم و روابط جنسی از حساسیت بیشتری برخوردار هستند. در خصوص دعوای مربوط به کودکان بویژه اگر جنبه کیفی داشته باشند نظر غالب در بسیاری از کشورها این است که هویت کودکانی که در دادرسی‌ها نقش دارند به هیچ وجه نباید افشا شود. دو دلیل مهم برای غیرعلنی برگزار کردن جلسات رسیدگی به جرائم کودکان وجود دارد: اول اینکه کودک را نباید به جهت ارتکاب یک جرم انگشت نما کرد. سیاست «افشا کن شرمنده کن»^۱ در مورد کودکان قابل اعمال نیست. دوم آنکه، افشای عمومی هویت کودکان بزهکار یا بزه‌دیده، امکان اصلاح و بازگشت مجدد آنها به جامعه را بسیار دشوار می‌کند (Reporters Committee for Freedom of the Press, 1999).

۳. حمایت از حق تصویر

منظور از حق تصویر حقی است که به موجب آن هر فردی بر تصویر خود که شامل چه هیأت ظاهری او می شود حق کنترل دارد و هیچ کسی نمی تواند بدون اجازه، از دیگری عکس بگیرد یا فیلم بردارد. حق تصویر هم بعد منفی^۱ دارد و هم بعد مثبت^۲. منظور از بعد منفی تصویر این است که گرفتن عکس از دیگری صرفنظر از اینکه به او ضرر وارد کند یا نه، مسمی است. اما بعد مثبت حق تصویر، گرفتن عکس یک فرد به قصد استفاده تجاری و تبلیغی را می کند. در واقع، بعد منفی حق تصویر از حق معنوی افراد بر تصویر خودشان حمایت می آید بعد مثبت از حق مادی آنها (Bertrand, , op.cit., pp.139 et 146).

البته، حق تصویر افراد مشهور و شخصیت های سیاسی در مقایسه با سایر افراد جامعه مهمل است. اما این محدودیت صرفاً در خصوص بعد منفی حق تصویر آنها است و استفاده تجاری تصویر اشخاص مشهور نیز بدون اجازه آنها ممنوع است. همچنین، حق تصویر در اماکن عمومی نظیر دادگاه محدود می شود.

با توجه به دو استثنای فوق، در خصوص حق افراد حاضر در جلسه رسیدگی بویژه حق متهم محکومان نسبت به تصویر خود، اولاً دادگاهها در زمره اماکن عمومی محسوب می شوند در قلمرو حق تصویر افرادی که طوعاً یا به اجبار در دادگاه حاضر شده اند محدود می شود ولی اعمی رود و ثانیاً ممکن است طرفین دعوا یا یکی از آنها در زمره افراد مشهور یا رجال سیاسی که در این صورت آنها حقی بر بعد منفی تصویر خود نخواهند داشت.

۴. انتشار سوابق کیفری متهم

با توجه به اینکه اصل برائت نسبت به متهمان اتفاقی و مجرمان سابقه دار به نحو یکسان است می شود این سوال به میان می آید که آیا رسانه هایی که ممکن است در نتیجه حضور در جلسه یا دسترسی به اطلاعات قضایی از سوابق کیفری افراد مطلع شوند می توانند آنها را افشا کنند چنین اقدامی برخلاف اصل برائت و افترا است یا نقض حریم خصوصی است؟ برخی معتقدند سوابق کیفری در زمره اسناد عمومی محسوب می شوند که انتشار آنها را بر مبنای نقض خصوصی نمی توان منع کرد. اما برخی معتقدند اشخاصی که به ارتکاب جرایم کوچک مهمل

شده‌اند باید این حق را داشته باشند که سوابق کیفری آنها فراموش شود.^۱ اینان استدلال می‌کنند که دانش عمومی و آگاهی مردم از جرم بخصوص را می‌توان با بحث و بررسی درباره سوابق کیفری افراد افزایش داد، بدون آنکه افشای هویت مرتکبین لازم باشد. انتشار چنین سوابقی می‌تواند اعتبار مجدداً تحصیل شده مجرمین سابق را بر باد دهد (LRCHK, 1999, para. 24-5)؛ شأن و احترامی را که مجرمین سابق، به دست آورده‌اند از بین ببرد و انگیزه اصلاح آنها را تباہ ساخته، سبب شود که دوستان و خویشاوندان، از آنها روی گردان شوند. (Ibid, para. 11-65).
به اعتقاد کمیسیون اصلاحات حقوقی هنگ کنگ در ایجاد تعادل میان حق مردم بر دانستن سوابق کیفری یک فرد و نفع آن فرد در فراموش شدن واقعه‌ای که به خاطر آن محکوم شده است مطبوعات باید به معیارهای زیر توجه کنند (Ibid, para. 7-24):

۱. آیا فرد مذکور در زمره شخصیت‌های عمومی است. اگر شخصیت عمومی است آیا بین

جرمی که به خاطر آن محکوم شده و سمت عمومی که اکنون دارد ارتباطی وجود دارد؟

۲. آیا جرم مورد بحث با تصویر عمومی آن شخص سازگار است؟

۳. شدت جرم به چه میزان بوده است؟

۴. چند سال از زمان محکومیت آن شخص می‌گذرد؟

۵. آیا شخص به‌طور کامل اعاده حیثیت کرده است؟

۶. آیا انتشار هویت آن فرد بر مبنای سایر دلایل، توجیه دارد؟

در رویه قضایی آمریکا نیز برای ایجاد تعادل میان حق آزادی بیان و حق حریم خصوصی در سوابق کیفری، عوامل ذیل مورد توجه واقع شده‌اند:

«۱. آیا شاکی حیثیت از دست رفته خود را اعاده کرده و به عنوان عضوی از اعضای عادی جامعه

تبدیل شده است یا نه؟

۲. آیا اعلان هویت وی به عنوان مجرم سابق، برای یک انسان متعارف، خیلی موهن و زیان‌بار

است یا نه؟

(ج) آیا خواننده یا متهم، این امر را با بی‌دقتی به موهن بودن آن منتشر ساخته است یا نه؟

(د) آیا برای انتشار هویت شاکی توجیه مستقل وجود دارد یا نه» (Ibid, Para. 11-67).

پرسش دشوار در این باره به انتشار سوابق مجرمان عفوشده مربوط می شود. یکی از اندیشه حوزه حریم خصوصی در این خصوص می گوید:

«مهم ترین هدف قوانین راجع به اعاده حیثیت مجرمان، کاستن از مشکلاتی است که آنها در بازگشت به سوی جامعه بویژه پیدا کردن کار با آنها مواجه می شوند. آسیب ها و صدمه هایی علیه چنین فردی حتی در فرض هدایت به راه راست وجود دارد ایجاب می کند که قانون به اجازه دهد تا پس از گذراندن چندین سال محکومیت، انکار کند که زمانی محکوم بوده است علاوه بر این، چنانچه محکومیت مذکور افشا شود احترام و اعتباری را که محکوم در نزد اعضا درست اندیش جامعه پیدا کرده است تنزل می دهد» (Wacks, 1980, note 89).

ج. حفظ نظم جلسات دادرسی

رعایت نظم جلسه دادرسی از لوازم رسیدگی های منصفانه است. بر این اساس، چنانچه رسانه ها در جلسه دادرسی منجر به تولید سر و صدا در دادگاه شود یا استفاده رسانه ها از نوراف گرمای جلسه را از حد معمول افزایش دهد، یا صدای فلش دوربین ها یا صدای تعویض فیلم نوار یا جابجای دوربین فیلم برداری، تمرکز حواس متهم یا شاکی یا وکلای طرفین یا قاضی دادگاه را بر هم بزند، برای مثال، در کلام آنها انقطاع ایجاد کند یا به نحو دیگر، حواس آنان پرت کند، قاضی دادگاه رأساً یا به تقاضای هر یک از اصحاب دعوا می تواند برای حفظ جلسه دادرسی، تصمیم مقتضی را اتخاذ کند برای مثال، از ادامه فیلم برداری جلوگیری کند خبرنگار را از جلسه اخراج کند.

د. اخلاق حسنه

چنانچه علنی بودن محاکمه با اخلاق حسنه مغایر باشد دادرسی می تواند قرار غیر علنی به جلسه را صادر کند. اخلاق حسنه^۱ عنوان عامی است که دعاوی مختلفی ممکن است ذیل آن بگیرند. برای مثال، دعاوی ناشی از اعمال منافی عفت خصوصی و عمومی، انواع جرائم جن

۱. در اصل ۱۶۵ قانون اساسی به جای اصطلاح «اخلاق حسنه»، اصطلاح «عفت عمومی» به کار رفته است. مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، «اخلاق حسنه» را مبهم دانسته و «عفت عمومی» را معادل آن برده اند. با این حال، به نظر می رسد اخلاق حسنه قلمر گسترده تری نسبت به عفت عمومی دارد. (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ص ۳۰۷).

قاچاق زنان و کودکان، اشاعه فحشا و منکرات نظیر تولید و توزیع وسایل صوتی و تصویری مستهجن و مبتذل در ذیل این عنوان قرار می‌گیرد.^۱

ه) نظم عمومی

رسیدگی علنی به برخی جرائم ممکن است به بروز ناآرامی و اغتشاش و برهم خوردن نظم عمومی منجر شود. بر این اساس، رسیدگی به جرائم علیه امنیت ملی، جرائم تروریستی، جرائم گروه‌های سازمان یافته و سایر جرائمی که احتمال دارد افشای جریان رسیدگی به بروز خشونت‌های گروهی، قومی و محلی منجر شود، به اغتشاش و ناآرامی دامن زند یا اقدامات تروریستی را تحریک کند یا نفس برگزاری جلسه رسیدگی را در مخاطره قرار دهد یا به افشای اسرار دولتی منجر شود به صورت غیرعلنی صورت می‌گیرد.

بخش دوم: شیوه‌های دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی

پس از پذیرش حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها این پرسش به میان می‌آید که رسانه‌ها به چه نحو می‌توانند به دادرسی‌ها دسترسی داشته باشند؟ آیا فقط می‌توانند در جلسه دادگاه حاضر شوند؟ آیا فقط می‌توانند گزارش مکتوب از جلسات رسیدگی تهیه کنند؟ آیا حق عکس‌برداری دارند؟ آیا حق استفاده از وسایل ضبط صدا را دارند؟ آیا می‌توانند از جلسه دادرسی فیلم‌برداری کنند؟ آیا حق دسترسی به اطلاعات قضایی از جمله اطلاعات پرونده در حال رسیدگی را دارند؟ آیا می‌توانند جریان رسیدگی را از طریق رادیو یا تلویزیون به صورت زنده یا پس از ضبط، پخش کنند؟ آیا می‌توانند به سراغ اصحاب دعوا، شهود یا خانواده‌های آنها بروند و از آنها اطلاعات کسب کنند؟ آیا حق مصاحبه با دادرس پرونده و سایر عوامل دادرسی از جمله کارکنان اداری و قضایی دادگستری را دارند؟ آیا می‌توانند با وکلای طرفین دعوا مصاحبه کنند و...؟

۱. آقای دکتر محمود آخوندی با تنظیم فهرست جرائم منافی عفت در قانون مجازات اسلامی، ۲۹ جرم ذکر کرده‌اند که در این قانون پیش بینی شده‌اند. ر.ک.: دکتر محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم: اندیشه‌ها، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۹-۳۷۲. البته این فهرست شامل همه اعمال منافی عفت نیست و اعمال منافی عفت در سایر قوانین نیز (نظیر قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶ و قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸) پیش بینی شده‌اند.

پاسخ به پرسش‌های مذکور، از یک سو، مستلزم توجه به مبانی و حدود حق دسترسی رسا دادرسی‌ها و از سوی دیگر، مستلزم توجه ظرافت‌ها و تفکیک‌های خاصی است که با تو- نتایج و آثار هر یک از شیوه‌های دسترسی، متصور هستند.

در واقع، شیوه‌های دسترسی باید ماحصل و نتیجه ترکیب مبانی و حدود حق دسترسی دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی باشند. این ماحصل، در برخی کشورها به دسترسی حداکثره بعضی کشورها به دسترسی حداقلی رسانه‌ها منجر شده است.

۱. دسترسی به اطلاعات قضایی

با توجه به تعریفی که قبلاً از اطلاعات قضایی ارائه شد معلوم می‌شود که همه اطلاعات به محاکمات مربوط نمی‌شوند؛ بلکه در میان انواع اطلاعات قضایی، دسترسی به اطلاعاتی نتیجه اقدام قضایی از سوی یک شخص یا علیه یک شخص تولید می‌شوند اهمیت خاصی در این اساس، در امور کیفری، اطلاعات راجع به بازداشت یک متهم، آلات و ادوات جرم که دست آمده است، پرونده‌ای که در دادسرا در مورد وی تشکیل شده است، کیفرخواستی که او صادر شده، پرونده وی در دادگاه و رأی یا قراری که قاضی در موردش صادر کرده است صورت محکومیت به زندان، اطلاعات راجع به اقداماتی که از سوی دادگاه در مورد او صورت می‌گیرد نظیر اجازه مرخصی و یا صدور حکم بخشودگی، از مهمترین اطلاعات محسوب می‌شوند.

همانطور که قبلاً اشاره شد دسترسی به اطلاعات قضایی مقدمه و لازمه دسترسی به دادرسی است و به تقویت اصل علنی بودن و شفافیت قضایی منجر می‌شود. از این رو، در برخی کشورها نظیر ایالات متحده، رسانه‌ها حق دارند تا به دفتر دستگیر شدگان^۱ و بازداشتی‌ها^۲ در کلابت دسترسی داشته باشند (S.L., 2003, p.46). در کانادا، کارگروه مشاوره‌های فنی شورای شیوه‌نامه مشخصی برای دسترسی به اطلاعات و سوابق قضایی تنظیم کرده که نحوه اطلاعات قضایی، حفاظت از آنها و انواع روش‌های دسترسی مستقیم و از راه دور به آن جزئیات لازم توضیح داده است (té consultatif sur l'utilisation des technologies par les juges, Modèle de politique sur l'accès

2005, aux archives judiciaires au Canada). در انگلستان نیز طبق شیوه نامه‌ای که دادسرای جنایی^۱ تنظیم کرده است رسانه‌ها می‌توانند به اطلاعات راجع به آلات و ادوات جرم کالاهای کشف و ضبط شده^۲ دسترسی داشته باشند. طبق این شیوه‌نامه، اقلامی که تعقیب قضایی بر مبنای آنها صورت می‌گیرد از جمله در زیر برای رسانه‌های قابل دسترس خواهد بود (Report on Access to Court Information, 2008, p.29):

۱. نقشه‌ها و عکس‌های به دست آمده از متهمان
 ۲. فیلم ویدیویی که صحنه‌های جرم را نمایش می‌دهد
 ۳. فیلم ویدیویی که اموال ضبط و توقیف شده را نمایش می‌دهد
 ۴. رونوشت مصاحبه‌هایی که در دادگاه خوانده شده‌اند
 ۵. فیلم‌های ویدیویی و عکس‌هایی که بازسازی صحنه جرم را نشان می‌دهند.
- دسترسی به دفتر اوقات دادگاهها نیز یکی از مصادیق حق دسترسی به اطلاعات قضایی است. برای مثال، در استرالیا در هر شهر یک روزنامه فهرست اوقات جلسات دادگاه عالی را منتشر می‌کند. در این فهرست‌ها، اسامی طرفین اصلی دعاوی، شماره دفتر دادگاه، زمان شروع جلسه دادگاه و عنوان و اسم خانوادگی قاضی رسیدگی کننده منتشر می‌شود (Gregory, 2005, p.22). همچنین اشخاص می‌توانند با اشتراک در این روزنامه، فهرست مذکور را به طور مرتب دریافت کنند.

با توجه به اینکه، آراء و قرارهای محاکم در زمره اطلاعات داخل در حوزه عمومی^۳ محسوب می‌شوند همانند سایر اطلاعات عمومی برای متقاضیان دسترسی از جمله برای رسانه‌ها نیز قابل دسترس خواهند بود.

موارد فوق تنها به جنبه واکنشی یا انفعالی حق دسترسی به اطلاعات مربوط می‌شدند. جنبه فعال یا ابتکاری اطلاع‌رسانی قضایی ایجاب می‌کند که دستگاه قضایی برخی از اطلاعات را صرفنظر از تقاضا، رأساً به عموم عرضه کند. براین اساس، در برخی کشورها اطلاع‌رسانی از طریق ایجاد وب سایت به شایع‌ترین روش تبدیل شده است. علاوه براین، اختصاص نشریه‌ای برای پوشش اطلاعات قضایی، ایجاد شبکه‌های رادیویی یا تلویزیونی ماهواره‌ای برای پوشش اطلاعات قضایی

بوئزه جلسات رسیدگی محاکم و نهایتاً اختصاص تلفن‌های گویا برای ارائه اطلاعات قضایی مهمترین روش‌های اطلاع‌رسانی قضایی به شمار می‌روند.

۲. حضور در جلسات

برگزاری جلسات محاکمه در انتظار عمومی و عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسه رسیدگی مهمترین و قدیمیترین عنصر علنی بودن دادرسی‌ها است. البته، باید بین نفس حضور به قصد ثبت و ضبط اطلاعات جلسه دادرسی تمایز قایل شد. از این رو، به این عنوان افراد ممکن است در صورت حضور، اطلاعات را ثبت و ضبط کنند نمی‌توان جلسه را غیراً اعلام کرد و از حضور افراد در جلسه ممانعت به عمل آورد. برای مثال، عدم افشای هویت کودکان در دادرسی‌های اطفال یک امر ضروری است اما آیا تحقق این امر تنها با منع حضرات افراد و رسانه‌ها در جلسه رسیدگی میسر است؟ در برخی کشورها نظیر کشور ما که تفسیر سنتی معنای علنی بودن غلبه دارد چنین تصور می‌شود درحالی‌که، در کشورهایی که تفسیر موسی‌علنی بودن دارند، به رسانه‌ها و سایر افراد اجازه داده می‌شود در جلسه حضور داشته باشند اما - افشای هویت کودکان بزهدکار یا بزهدیده داده نمی‌شود. صرفاً اجازه حضور داده می‌شود. با توجه به آثار و فواید زیادی که بر علنی بودن دادرسی‌ها مترتب است محدود کردن صرف حضور افراد در صورتی موجه است که تنها چاره و راه ممکن برای رفع تالی یا توالی فاسد ناشی از علنی بودن یک جلسه باشد. برای مثال، موضوع دعوا به اسرار تجاری یا حرفه‌ای مربوط باشد که حضرات اشخاص ثالث (غیر از طرفین دعوا)، به افشای این اسرار منجر شود.

۳. یادداشت‌برداری از جلسات

تهیه یادداشت یا گزارش مکتوب از جلسات رسیدگی یکی از لوازم و اقتضانات اصل عا بودن دادرسی‌ها است که جز در موارد خاص نیاز به اخذ اجازه از دادگاه ندارد. توضیح آن یادداشت‌برداری از جلسات ممکن است به قصد استفاده شخصی و خصوصی باشد یا به قصد انتشار آن در سطح عمومی. چنانچه قصد اطلاع‌رسانی در رسانه‌ها در میان باشد یا قصد تولید اثر ادبی و هنری در مورد یک پرونده یا بر مبنای اطلاعات ناشی از یک محاکمه در میان موضوع باید به دادگاه اطلاع داده شود تا دادگاه نسبت به مجاز بودن یا نبودن این نوع استفاده اطلاعات قضایی (استفاده تجاری) تصمیم مقتضی بگیرد.

۴. ضبط صدا، عکس برداری و فیلم برداری

یکی از تحولات نسبتاً جدید در خصوص اصل علنی بودن، استفاده از وسایل ضبط صوت و دوربین های عکاسی و فیلم برداری در جلسات دادرسی است. در برخی کشورها این امر به طور قطعی پذیرفته شده است و در برخی دیگر هنوز به صورت آزمایشی اجرا می شود. البته برخی کشورها بین استفاده از ضبط صوت و دوربین تمایز قایل شده اند و استفاده از وسایل نوع دوم را با شرایط دشواری اجازه می دهند زیرا عکس برداری یا فیلمبرداری ممکن است با حق بر دادرسی منصفانه بویژه حق حریم خصوصی در تعارض قرار گیرد یا مخل نظم جلسات دادرسی باشد. از این رو، حساسیت نسبت به این اقدامات زیاد است.

در برخی کشورها برای رفع توالی فاسد ناشی از عکس برداری و فیلم برداری از جلسات دادرسی، تدابیر زیر اتخاذ شده است (See:Media Guidelines for Media Coverage in the Clark County Courts; Television Coverage of Court Proceedings of British Colombia, Practice Direction, 2010;Modèle de : (politique sur l'accès aux archives judiciaires au Canada, 2005

- اخذ اجازه از دادگاه یا روابط عمومی دادگستری
- کسب رضایت اصحاب دعوا در برخی موارد
- منع تهیه عکس و فیلم از اعضای هیأت منصفه، حضار جلسه و قاضی
- منع پخش زنده فیلم از رسانه ها
- استقرار در مکان های مشخص شده در اتاق جلسه
- منع استفاده از نور و صدای مزاحم و حواس پرت کننده از سوی عکاسان و فیلمبرداران
- اجازه حضور تنها یک فیلمبردار از هر رسانه در جلسه دادگاه
- رعایت محدودیت های زمانی برای آغاز و پایان عکس برداری و فیلم برداری

۵. مصاحبه های مطبوعاتی اصحاب قضا

در دعاوی مهم که جریان رسیدگی از سوی رسانه ها دنبال می شود ممکن است خبرنگاران برای کسب اطلاعات به سراغ اصحاب قضا بروند. منظور از اصحاب قضا کسانی هستند که به عنوان خواهان و خوانده در دعاوی مدنی و شاکلی و مشتکی عنه در دعاوی کیفری، به عنوان وکیل، کارشناس رسمی، شهود و قاضی در جریان رسیدگی به پرونده نقش ایفا می کنند. با توجه

به اینکه این نوع مصاحبه ها ممکن است بر روند رسیدگی تأثیرات نامطلوب بگذارد برای مثال اصل برائت یا بیطرفی دادرسی یا هیأت منصفه را تحت تأثیر قرار دهد یا به تحریک احساسات عمومی علیه متهم منجر شود یا ارزیابی بیطرفانه و کارشناسانه ادله را تحت تأثیر قرار دهد در بر- کشورها، قواعد و موازین خاصی در خصوص این نوع مصاحبه ها پیش بینی شده است. برای مثال، در خصوص مصاحبه‌های وکلای دادگستری با رسانه ها، مجموعه ضوابط تنظیم شده از سوی کانون وکلای آمریکا با عنوان «عدالت کیفری، دادرسی منصفانه و مطبوعات آزاد» می گوید:

وکیل نباید و مجاز نیست اظهارنظری بکند که هر فرد معقول می تواند پیش بینی کند که اظهارنظر از سوی وسایل ارتباط جمعی منتشر خواهد شد و وکیل بداند یا بایستی بداند که این به احتمال زیاد بر رسیدگی کیفری اثر منفی خواهد گذاشت. برای مثال، در مورد اظهارنظره زیر، چنین احتمالی وجود دارد:

- افشای پیشینه کیفری (سوابق دستگیری، کیفرخواست‌های صادر شده علیه) مظنون یا متهم.
- اوصاف شخصیتی مظنون یا متهم.
- اظهار نظر در خصوص مجرمیت متهم یا قابلیت استماع دعوا یا ادله موجود در پرونده.
- وجود هر نوع اقرار یا اعتراف از سوی متهم یا محتوای اقرار و اعتراف او یا امتناع وی از گونه اظهارنظر.
- انجام هرگونه آزمایش در مورد متهم یا امتناع متهم از انجام آزمایش.
- هویت شهود احتمالی و شهادت قابل پیش بینی، سوابق کیفری یا عدالت شهود احتمال.
- احتمال صدور حکم برائت در خصوص اتهام انتسابی.
- اظهار اطلاعاتی که وکیل می داند یا باید عرفاً بداند که آن اطلاعات به عنوان دلیل محاکمه مورد پذیرش قرار نمی گیرند.
- در همین مجموعه ضوابط، مواردی ذکر شده است که وکلای می توانند در خصوص آنها رسانه ها صحبت کنند:

- ماهیت کلی اتهام انتسابی به متهم مشروط به اینکه اضافه شود که وی همچنان متهم است و ممکن است تهرئه شود.
- ماهیت کلی دفاعیاتی که در مقابل اتهام انتسابی به متهم وجود دارد نظیر بیان اینکه متهم فاقد سابقه کیفری است.
- نام، سن، محل سکونت، شغل و وضعیت خانوادگی متهم.
- اطلاعاتی که بیان آنها برای کمک به بازداشت متهم یا هشدار به عموم برای اجتناب از خطرات احتمالی از ناحیه متهم ضرورت دارد.
- درخواست کمک برای تحصیل ادله لازم.
- بیان پیشرفت تحقیقات در حال اجرا، طول مدت تحقیقات و گستره تحقیقات، اتهامات و دفاعیاتی که مطرح شده و مشخصات مأمور اجرای تحقیقات.
- اطلاعات راجع به زمان و مکان بازداشت متهم و هویت مأمور و سازمان بازداشت کننده.
- هویت بزه دیده، البته در صورتیکه افشای هویت او به موجب سایر قوانین ممنوع نباشد یا برای وی زیانبار نباشد.
- اطلاعات به دست آمده از خلال سوابق و اطلاعات عمومی بدون بیان هرگونه تفسیر در مورد آنها.
- برنامه زمانی هر یک از مراحل فرایند رسیدگی و نتیجه هر مرحله.
- در نظام قضایی آمریکا، چنانچه قاضی مصاحبه های مطبوعاتی و کلا، شهود و حتی متهم را مخمل جریان رسیدگی بداند می تواند با صدور قرار منع مصاحبه^۱، مصاحبه های این اشخاص را ممنوع کند (S.L., 2004, p.45).

بخش سوم: وضعیت حقوقی دسترسی رسانه ها به دادرسی ها و اطلاعات قضایی در حقوق ایران

در حقوق ایران، حق دسترسی رسانه ها به دادرسی ها در قوانین مختلف، شناسایی شده است. شناسایی اصل علنی بودن محاکمات در قانون اساسی، شناسایی حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی در «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» و شناسایی آزادی بیان و

اطلاع‌رسانی در قانون اساسی و قانون مطبوعات^۱، جملگی از مبانی حق دسترسی رسانه دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی در کشور ما هستند.^۲ با این حال، در عمل، تفسیرهایی که امتون قانونی به عمل می‌آید عمدتاً مضیق هستند و با اقتضای اصل علنی بودن و آزادی اطلاع‌رسانی، سازگاری چندانی ندارند.

برای فهم بهتر جایگاه حق دسترسی به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی در نظام حقوقی ایران است که قواعد و مقررات ناظر بر دسترسی رسانه‌ها به جلسات دادرسی، ناظر بر دسترسی اطلاعات قضایی و ناظر بر مصاحبه‌های قضایی، به طور جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرند.

بند اول: دسترسی رسانه‌ها به جلسات دادرسی

در مورد حق دسترسی رسانه‌ها به جلسات دادرسی، توجه به مفاد اصل ۱۶۵ قانون اساسی از مواد قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ضروری است.

الف. اصل ۱۶۵ قانون اساسی

اصل ۱۶۵ قانون اساسی می‌گوید:

«محاکات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعای خصوصی طرفین تقاضا کنند محاکمه علنی نباشد.» در این اصل چند نکته مهم وجود دارد که توجه به آنها برای فهم مفاد مذکور لازم است. این نکات عبارتند از:

۱. ماده ۲۹ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ می‌گوید: «انتشار ... مذاکرات غیرعلنی محاکم دادگستری..

است ... مفهوم این ماده آن است که انتشار محاکمات علنی، مجاز است.

۲. برخی محققان با استناد به روایات اسلامی و با ارائه شواهد تاریخی معتقدند که یکی از قواعد ناظر بر قضا اسلام، حق دسترسی به قاضی است و از این رو، قاضی نباید برای جلوگیری از ورود مراجعه‌کنندگان به گماشته و دربان بگمارد (سنگلجی، ۱۳۸۲ صص ۴۲-۴۷) اما آیا از این قاعده می‌توان اصل علنی بودن را استنباط کرد یا اینکه صرفاً حق دسترسی به دادگاه و قاضی برای عرض شکایت و احقاق حق قابل استنباط است و نه حق قصد تماشا کردن جلسه رسیدگی؟ برخی محققان با استناد به برخی شواهد تاریخی و بویژه برگزاری جلسات مساجد نتیجه‌گیری کرده‌اند که «این شیوه که دادرسی علنی نباشد، روشی اسلامی نیست» (ر. ک.: ساکت، ص ۱۸۰).

۱. اصل بر علنی بودن محاکمات است و محاکمات غیر علنی جنبه استثنایی دارد. از این رو، در صورت تردید در خصوص علنی یا غیرعلنی برگزار کردن محاکمه، باید جانب اصل را گرفت نه جانب استثنا را.

۲. علنی بودن محاکمات معنای گسترده‌ای دارد و اعم از بلامانع بودن حضور افراد در دادگاه است. بلامانع بودن حضور افراد یکی از جلوه‌های علنی بودن است و نه معادل آن. از این رو، اگر به طرق دیگر بتوان محاکمات را به سمع و نظر مردم رساند اجرای اصل علنی بودن خواهد بود و برعکس، محدود کردن حضور رسانه‌ها یا منع استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای اعلان محاکمات به عموم، محدود کردن اصل علنی بودن محاکمات محسوب می‌شود.

۳. مطلق محاکمات علنی هستند اعم از مدنی و کیفری. هرچند در عمل و در مقام اجرای این اصل، صرفاً قانون آیین دادرسی کیفری به موضوع علنی بودن محاکمات پرداخته است اما این امر به معنای آن نیست که محاکمات مدنی غیرعلنی هستند (در خصوص ضرورت و حدود علنی بودن دادرسی‌ها در رسیدگی‌های مدنی ر. ک.:: پوراستاد، ۱۳۸۷، قاعده ۲۴، ص ۱۲۶-۱۲۸). در خصوص علنی برگزار شدن محاکمات اداری، قبلاً حکم خاصی درباره افشای اطلاعات راجع به پرونده‌های مطرح در دیوان عدالت اداری پیش‌بینی شده بود ولی این حکم در قانون جدید دیوان حذف شده است.^۱

۴. تمام مراحل محاکمات مشمول این اصل هستند^۲ و تمایزی بین محاکم تالی و عالی وجود ندارد. بدیهی است اگر علنی بودن معادل با بلامانع بودن حضور افراد محسوب شود در این صورت، چون رسیدگی‌های محاکم عالی غالباً بدون حضور طرفین دعوا صورت می‌گیرد علنی بودن در مورد جلسات آنها مصداق نخواهد داشت. اما اگر علنی بودن در معنای گسترده آن در

۱. تبصره ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری ۱۳۶۰ بیان می‌داشت: «شاکی و دیوان قبل از رسیدگی و ثبوت تخلف اعلام شده حق افشای آن را ندارند. مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی نیز قبل از ثبوت تخلف از درج و نشر آن ممنوعند».

۲. در رسیدگی‌های کیفری، مرحله تحقیقات مقدماتی می‌تواند غیرعلنی بودن و سری باشد. منظور از غیرعلنی بودن یعنی غیر از اصحاب دعوی کیفری، شهود، کارشناسان و در مجموع افرادی که مقام تحقیق حضور آنها را برای انجام دادن یا تکمیل تحقیقات لازم می‌داند سایر افراد از جمله روزنامه نگاران حق حضور در جلسات بازپرسی را ندارند.^۳ اما منظور از سری بودن آن است که مطالعه پرونده و تهیه رونوشت از آن حتی برای اصحاب دعوا مجاز نیست (ر. ک.:: آشوری، ج ۲، ۱۳۸۳، صص ۲۰-۲۲).

نظر گرفته شود جلسات محاکم عالی نیز مشمول این اصل قرار می گیرند^۱ برای مثال، در انگلست استفاده از دوربین در مرحله بدوی رسیدگی های کیفری مطلقاً ممنوع است اما در مراجع عالی تحت شرایط خاصی، مجاز شناخته می شود (Broadcasting Courts, Annex C, p.98).

۵. منظور از دعای خصوصی در این اصل مشخص نیست. سه معنا از دعای خصوصی قابل استنباط است: دعای ناشی از حقوق خصوصی نظیر دعای ناشی از قراردادها، ازدواج و طلاق و وصیت. در این معنا، دعای خصوصی در مقابل دعای کیفری قرار می گیرد. در معنی دوم، دعای خصوصی را می توان اعم از دعای حقوقی^۲ و آن دسته از دعای کیفری دانست جنبه حق الناسی دارند و از سوی شاکی خصوصی قابل گذشت هستند. در معنای سوم، می توان خصوصی بودن را در مقابل عمومی بودن قرار داد. بدین معنا که برخی دعای جنبه های عمومی دارند و حائز ارزش خبری و نفع عمومی هستند و برخی دیگر این چنین نیستند. با توجه به این معنی دعای خصوصی در معنای اول و معنای دوم ممکن است حاوی جنبه عمومی باشند و تقاضا غیرعلنی برگزار شدن جلسات آنها مسموع واقع نشود. به نظر می رسد از میان این معانی سه گانه معنای سوم با مبانی اصل علنی بودن سازگارتر است.

۶. در دعای خصوصی نیز اصل بر علنی بودن است مگر آنکه طرفین از دادگاه بخواهند دادگاه را غیر علنی برگزار کند. بنابراین، در این دعای، دادرس نباید بدون درخواست طرفی جلسه را غیرعلنی اعلام کند. البته در این اصل مشخص نشده است که آیا منظور از طرفین، هر یک از طرفین به انفراد است یا اینکه هر دو طرف باید مجموعاً درخواست کنند.^۳ به هر حال، چنانچه

۱. برخی نویسندگان، غیرعلنی بودن جلسات شعب دیوان عالی کشور و سایر مراجعی را که به داوری میان حاکم قاضی و قانون هستند و خود به محاکمه متهم نمی پردازند نقض علنی بودن محسوب نکرده اند (دکتر علی خالقه پیشین، ص ۴۰). این نظر بر معنای سنتی اصل علنی بودن مبتنی است و اکنون، در برخی کشورها، عقیده بر این است که رسیدگی های دادگاه های عالی را در مقایسه با دادگاه های تالی، با خیال آسوده تری می توان منتشر کرد. زیرا مراحل بدوی، اصل برائت به نفع متهم جاری است اما در مراحل عالی چون برائت یا مجرمیت متهم قبلاً اثبات شده است، از این رو، انتشار جریان محاکمه حتی از طریق تلویزیون اجازه داده شده است و این محاکم ملزم شده اند رأی خود را بلافاصله پس از صدور در پایگاه اینترنتی مربوط قرار دهند.

۲. اصطلاح «دعای حقوقی» در نظام تقنینی ما به غلط در مقابل «دعای کیفری» قرار داده شده است. زیرا، ه دعای به مفهوم دقیق کلمه، حقوقی هستند. برخی از این دعای، مدنی یا غیر کیفری هستند و برخی دیگر، کیفری.

۳. برخی نویسندگان، تقاضای یکی از طرفین را برای غیرعلنی بودن کافی ندانسته اند و تقاضای طرفین را لا دانسته اند (جوئیاری، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶). با این حال ماده ۱۳ آیین نامه نظام جامع اطلاع رسانی قوه قضائیه مصو

یکی از طرفین درخواست کند که جلسه غیر علنی برگزار شود و طرف دیگر خواستار علنی بودن باشد، باید جانب علنی بودن را گرفت مگر آنکه ضرورت‌های دیگری غیر از خصوصی بودن دعوا، غیر علنی برگزار شدن جلسه را توجیه کند.

۷. تشخیص غیر علنی بودن محاکمات چه در دعاوی عمومی و چه در دعاوی خصوصی با دادرس است.

ب. قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸

ماده ۱۸۸ قانون مذکور که در سال ۱۳۸۵ اصلاح شده است می گوید:

«محاکمات دادگاه علنی است به استثنای موارد زیر به تشخیص دادگاه : ۱. اعمال منافعی عفت و جرائمی که برخلاف اخلاق حسنه است. ۲. امور خانوادگی یا دعاوی خصوصی به درخواست طرفین. ۳. علنی بودن محاکمه، مخل امنیت یا احساسات مذهبی باشد.

تبصره ۱- منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی عنه باشد منتشر نمایند.

تبصره ۳- در موارد محکومیت قطعی به جرم ارتکاب ... جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرائم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود. مشروط به آن که ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر از آن باشد.»

حکم این ماده با آنکه در مقایسه با حکم آن قبل از ۱۳۸۵، با اصل علنی بودن بیشتر است^۱ اما چند ایراد و ابهام در مورد آن وجود دارد:

نخست آنکه، معنای مضیق اصل علنی بودن را مورد توجه قرار داده است. بدین معنا که بودن را به «عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی» معنا کرده است در حالی که قبلاً گفته شد که عدم ایجاد مانع در برابر حضور افراد در جلسه دادرسی یکی از جلوه‌ها یا مه اصل علنی بودن است نه معادل آن.

دوم آنکه، به خبرنگاران رسانه‌ها اجازه داده شده است صرفاً گزارش مکتوب تهیه کنند حالیکه در عمل، فیلم ضبط شده برخی محاکمات از صدا و سیما پخش می‌شود. از این رو. است همانند سایر کشورها، نسبت به امکان تهیه عکس و فیلم از جلسات دادرسی با اخذ قبلی از دادرس، احکامی خاص پیش بینی شود.

سوم آنکه در مورد «خبرنگاران رسانه‌ها» مشخص نیست که آیا صرفاً خبرنگاران مؤسسه رسانه‌ای نظیر صدا و سیما، خبرگزاریها و مطبوعات، مورد نظر هستند یا خبرنگاران مسند خبرنگاران نشریه‌های الکترونیک را نیز شامل می‌شود. در تفسیر معنای خبرنگار، در قوانین برخی کشورها، تعیین شده است که منظور از خبرنگار کیست.

چهارم آنکه، به استثناهایی که در این ماده در مورد اصل علنی بودن ذکر شده است باید جا رسیدگی به جرائم اطفال را نیز اضافه کرد که به موجب ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور کیفری، «رسیدگی به جرائم اطفال علنی نخواهد بود. در دادگاه اولیاء و سرپرست قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کنانون اصلاح و تر که دادگاه حضور آنان را لازم بداند حاضر خواهند شد. انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه گروهی و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات طفل متهم ممنوع و متخلف مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد».

۱. تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قبل از اصلاح مقرر می‌داشت: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور در دادگاه می‌باشد لکن انتشار آن در رسانه‌های گروهی قبل از قطعی شدن حکم، مجاز نخواهد بود و متخلف تبصره به مجازات مفتری محکوم می‌شود».

علاوه بر این، ماده ۵ آئین‌نامه سجل قضائی که در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۲ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است می‌گوید: «برای افراد کمتر از ۱۸ سال که محکومیت کیفری پیدا می‌کنند برگ سجل قضایی تنظیم نخواهد شد».

بند دوم: دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات قضایی

در خصوص حق دسترسی به اطلاعات قضایی و حدود این حق، چند مصوبه مهم در نظام حقوقی ما قابل توجه هستند:

۱. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

قانون مذکور کلیه مؤسسات عمومی را به ارائه اطلاعات به متقاضیان احتمالی ملزم کرده است. ماده ۵ قانون مذکور می‌گوید: «مؤسسات عمومی مکلفند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترس مردم قرار دهند». بند د ماده ۱ نیز در تعریف مؤسسه عمومی می‌گوید «مؤسسات عمومی، سازمان‌ها و نهادهای وابسته به حکومت به معنای عام کلمه شامل تمام ارکان و اجزای آن که در مجموعه قوانین جمهوری اسلامی ایران آمده است». تنها استثنایی که در این خصوص به صورت محدود و مشروط پیش‌بینی شده است به مؤسسات زیر نظر مقام معظم رهبری مربوط می‌شود. تبصره ماده ۱۰ قانون مزبور می‌گوید «حکم این ماده در مورد دستگاه‌هایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است، منوط به عدم مخالفت معظم‌له می‌باشد». در تفسیر این تبصره سه نکته حائز توجه وجود دارد: اول اینکه ماده ۱۰ قانون مذکور به جنبه ابتکاری یا فعال آزادی اطلاعات مربوط می‌شود و به معنای استثنا شدن مؤسسات زیر نظر رهبری از شمول کلیه الزامات ناشی از این قانون نیست. دوم آنکه، تنها مؤسساتی مشمول این تبصره هستند که زیر نظر مستقیم رهبری باشند. با توجه به اینکه قوه قضائیه زیر نظر غیرمستقیم رهبر اداره می‌شود از شمول حکم این تبصره خارج است. سوم آنکه، در خصوص آن دسته از مؤسساتی که زیر نظر مستقیم رهبری هستند اصل بر شمول است مگر آنکه رهبری مخالفت خود را اعلام کند.

این دسترسی برخلاف آنچه در قوانین آیین دادرسی پیش‌بینی شده است برای همگان مجاز است و اختصاص به طرفین دعوا و اشخاص ذینفع یا ذیسمت ندارد. مواد ۲ و ۵ و ۷ «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» در این زمینه می‌گویند: هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات

عمومی را دارد مگر آنکه قانون منع کرده باشد (ماده ۲) مؤسسات عمومی حق مطالبه هیچ دلیل یا توجیهی از متقاضی دسترسی به اطلاعات عمومی را ندارند (ماده ۷) و باید اطلاعات عمومی را بدون تبعیض در دسترس مردم قرار دهند (ماده ۵).

قانون مذکور حق دسترسی به اطلاعات عمومی و مدون را پیش بینی کرده است. منظر اطلاعات عمومی اطلاعاتی است نظیر ضوابط و آیین نامه‌ها، آمار و ارقام ملی و رسمی، ام مکاتبات اداری (بند ب ماده ۱). اطلاعات غیر عمومی یعنی اطلاعاتی که جنبه شخصی دارند نام و نام خانوادگی، نشانی‌های محل سکونت و محل کار، وضعیت زندگی خانوادگی عادت فردی، ناراحتی‌های جسمی، شماره حساب بانکی و رمز عبور، اطلاعات راجع به خصوصی،^۱ اطلاعات مرتبط با امنیت ملی، اطلاعات طبقه بندی شده، اطلاعاتی که افشای سلامت افراد را در مخاطره قرار می دهد یا افشای آنها به منافع تجاری اشخاص ثالث لطمه می کند حسب مورد، از شمول این قانون خارج بوده یا استثنا شده‌اند.

منظور از اطلاعات مدون نیز اطلاعاتی است که در یک سند مندرج باشد یا در یک نرم‌افزاری یا هر شیء دیگر ذخیره شده باشد (بند الف ماده ۱). از این رو، تنها برای دسترسی اطلاعات مکتوب یا ذخیره شده در وسایل نرم افزاری دیگر می توان به این قانون استناد کرد برای دسترسی به جلسات محاکم. برای مثال، دسترسی به دفاتر گوناگون دادگاهها نظیر دفتر عرایض، دفتر ثبت لوایح، دفتر اندیکاتور، دفتر اوقات، دفتر اموال مرتبط با پرونده، دفتر ارسال، دفتر مخصوص زندان و بازداشتی‌ها از جمله اطلاعات مدون قضایی محسوب می که در کشورهای مختلف، تحت شرایط معینی، قابل دسترس هستند. آراء و قرارهای صا محاکم نیز در زمره اطلاعات قضایی محسوب می شوند که در برخی کشورها ظرف ۲۴ ساء سایت اینترنتی دادگستری قرار داده می شوند و تا حدود یک ماه قابل دسترس عمومی هستند

۱. علاوه بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقا امور کیفری نیز در حمایت از حریم خصوصی متهم قابل توجه است: «از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می شود و قاضی مکلف در مورد سایر نوشته‌ها و اشیاء متعلق به متهم با کمال احتیاط رفتار نموده و موجب افشای مضمون و محتوای ارتباط به جرم ندارد نشود».

۲. قوه قضائیه طی مصوبه ای با عنوان «دستورالعمل حفاظت از اسناد و اطلاعات و ادله پرونده‌های قضایی» تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۱ به تصویب رئیس این قوه رسیده است به پیشگیری از سوء استفاده های احتمالی از اسناد

علاوه بر موارد فوق، دسترسی به اطلاعات و سوابق محکومان کیفری نیز از مسائل قابل توجه در دسترسی به اطلاعات قضایی است. ماده ۲۳ آئین‌نامه سجل قضائی که در تاریخ ۲/۱۱/۱۳۸۴ ب تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است در این خصوص می‌گوید:

«به منظور بهره‌برداری از اطلاعات جمع‌آوری و ذخیره شده در اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی و دفاتر وابسته به آن در شهرستانها، این اداره کل مکلف است ضمن رعایت اسرار محکومان پس از تصویب رئیس قوه قضائیه و همکاری دانشکده‌های حقوق و مؤسسه‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی و سازمانهای وابسته به قوه قضائیه و سایر نهادهای مربوط با بررسی و مطالعه مستخرجه‌ها و پرسش‌نامه‌های ارسالی از واحدهای اجرای احکام دادسراها نسبت به طبقه‌بندی جرائم ارتكابی از حیث نوع جرم، علل ارتكاب جرم، سن و جنسیت مجرمان، وضعیت خانوادگی و اقتصادی و تحصیلی آنان و نظایر آن، اقدام نموده و اطلاعات حاصل شده را به منظور اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و مبارزه با علل یا عوامل ارتكاب جرم و تهیه و تدوین قوانین متناسب در اختیار قوه قضائیه و نهادهای دولتی و مؤسسه‌های مربوط بگذارد.»

هر چند در این آیین‌نامه از حق دسترسی همگانی به اطلاعات موجود در اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی سخنی به میان نیامده است اما در کشورهایی که حق دسترسی به اطلاعات را شناسایی کرده‌اند دسترسی عمومی به این اطلاعات از اهمیت خاص برخوردار است و از این رو، با توجه به تصویب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، لازم است اصلاحاتی در این آیین‌نامه صورت گیرد.

قابل ذکر است که قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مؤسسات عمومی از جمله قوه قضائیه را به اطلاع‌رسانی ابتکاری یا کنشی نیز ملزم کرده است. بدین معنا که نظام دادگستری باید برخی اطلاعات را رأساً و بدون آنکه کسی تقاضا کرده باشد در دسترس عموم قرار دهد. قوه قضائیه پیش از تصویب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، با تصویب آیین‌نامه ای به این امر مهم توجه کرده و در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۱۹ «آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه» را

پرونده‌های در حال رسیدگی یا غیر مختومه، تمرکز کرده است ولی در خصوص دسترسی به این اطلاعات، باید با توجه به قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، اصلاحات و احکام خاصی در این مصوبه لحاظ شود. برای مثال، حق دسترسی عمومی به دفاتر دادگاه یا بایگانی را کد (موضوع ماده ۱۵ مصوبه) باید مورد توجه جدی قرار گیرد و آیین خاصی برای این امر پیش بینی شود.

تصویب کرده است. در این نامه، انواع روش های اطلاع رسانی (شفاهی، مکتوب، مجازی، روش ها و یا ترکیبی از آنها) درباره سیاست ها و برنامه های قوه قضائیه، عملکرد قوه قضائیه، اخبار قضایی، پاسخ ها و مواضع رسمی قوه قضائیه در قبال موضوعات داخلی و بین المللی، اطلاعات پای عمومی حقوقی و قضایی، برای دسته های مختلف مخاطبان (درون قوه قضائیه، مخاطبین محیطی کشوری، مخاطبین محیطی - بین المللی) و مقامات مجاز به اطلاع رسانی و محدوده اطلاع رسانی یک پیش بینی شده است.^۱

۲. مصاحبه با اصحاب دعوا و مقامات قضایی

همانطور که قبلاً اشاره شد با توجه به اینکه اصحاب دعوا و وکلای آنها بیش از هر فرد دیگر نسبت به ابعاد پرونده در حال رسیدگی وقوف دارند ممکن است رسانه ها برای کسب اطلاعات تفصیلی و رفع ابهامات احتمالی پرونده به سراغ آنها بروند و با انجام مصاحبه و کسب اطلاعات مورد نظر، مطالبی را منتشر کنند. این امر بویژه در خصوص جلساتی که به صورت غیرعلنی برگزار می شوند اهمیت پیدا می کند و این سوال به میان می آید که آیا چنین مصاحبه های مجاز هستند؟

۱. ماده ۱۳ آیین نامه مذکور، حدود لازم الرعایه در اطلاع رسانی قضایی را تعیین کرده و هرگونه اطلاع رسانی اصحابه، افشاء، انتشار اخبار و صدور اطلاعیه را از جمله در موارد زیر ممنوع دانسته است:

- مذاکرات غیرعلنی محاکم و تحقیقات مراجع قضائی و انتظامی در مرحله مقدماتی و انتشار جریان دادگاه علنی از قطعی شدن حکم.

- دعوی خصوصی اشخاصی که حداقل یکی از طرفین دعوی تقاضای غیرعلنی بودن آن را نموده باشد و همچ انتشار اسامی، عناوین اتهام که مغایر با حیثیت و آبروی اشخاص باشد.

- جریان رسیدگی به جرائم خانوادگی، اطفال و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت طفل متهم.

- اخباری که افشاء و انتشار آن موجب اختلال و مانع انجام صحیح و سالم در روند دادرسی عادلانه قضایی گردد.

- اخباری که موجب تفرقه و دوگانگی و تشدید درگیری میان اقشار جامعه، گروه ها احزاب و مسئولین شود.

- اخباری که موجب آشفتگی، اذهان عمومی و یا هراس بین آنان و یا موجب بی اعتمادی عمومی به نظام و دستا قضائی شود.

- مصاحبه، صدور اطلاعیه یا خبری که مغایر شأن قضات و یا موجب خدشه دار شدن اقتدار و استقلال قضایی شود.

- هرگونه اظهار عقیده مقامات قضایی در خصوص برائت و مجرمیت متهم قبل از اتمام رسیدگی و اعلام رأی.

در برخی کشورها حداقل در سه دسته از قوانین و مقررات به این پرسش پاسخ داده شده است: در قوانین مربوط به وظایف و اختیارات قضات، اختیار مصاحبه آنها با رسانه‌ها مشخص شده است؛ در قوانین و مقررات مربوط به وکلا، اختیار مصاحبه آنها با رسانه‌ها مشخص شده است و در قوانین آیین دادرسی، اختیار مصاحبه اصحاب دعوا با رسانه‌ها مشخص شده است.

در نظام حقوقی ما، در هیچ متن قانونی به این موضوع توجه نشده است. در نتیجه، از یک سو، به دلیل عدم منع صریح قانون، می‌توان انجام چنین مصاحبه‌هایی را مجاز دانست. از سوی دیگر، انتشار این نوع مصاحبه‌ها می‌تواند به مصلحتی که مبنای غیرعلنی بودن جلسه دادرسی قرار گرفته است لطمه وارد کند و نقض غرض باشد.

با توجه به این خلاء قانونی، قوه قضائیه تاکنون طی سه مصوبه تلاش کرده است تا این خلاء را پر کند. ابتدا در تاریخ ۱۳۸۱/۲/۳ بخشنامه‌ای به مراجع قضایی و اداری وابسته به قوه قضائیه کشور صادر شد و در آن، همکاری واحدهای قضایی و اداری قوه قضائیه با رسانه‌های مختلف، به کسب مجوز کتبی از روابط عمومی و تشریفات قوه قضائیه منوط شد. متعاقباً در سال ۱۳۸۶ با تصویب «آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه»، اطلاع‌رسانی قضایی متمرکز شد و اطلاع‌رسانی از سوی اشخاص غیرمأذون ممنوع اعلام شد.

سرانجام آنکه، رئیس قوه قضائیه مجدداً با صدور بخشنامه‌ای در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۸ اعلام کرد که: «هرگونه مصاحبه و اطلاع‌رسانی از سوی مسئولان قضایی و روسای کل دادگستری و سایر قضات با رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی در رابطه با پرونده‌ها و امور جاری قوه قضائیه، با هماهنگی قبلی رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه انجام پذیرد».

صدور سه مصوبه نسبتاً مشابه در خصوص موضوع واحد در طی کمتر از ۸ سال حاکی از آن است که اولاً اطلاع‌رسانی قضایی یکی از چالش‌های مهم قوه قضائیه شده است و ثانیاً بدون پیش‌بینی واقع بینانه موضوع در قانون، صدور بخشنامه نمی‌تواند از نظر حقوقی راهکار مناسبی برای این چالش باشد.

نتیجه‌گیری

روند تبیین و توسعه قلمرو اصل علنی بودن در کشورهای مختلف آغاز شده و روز به روز، آزادی حضور افراد و رسانه‌ها در محاکم بویژه با شیوه‌های غیرفیزیکی و استفاده از فناوری‌های

اطلاعاتی و ارتباطاتی، گسترده تر می شود. همچنین، بر مبنای آزادی اطلاعات، حق دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی نیز با تضمینات تازه ای همراه شده است.

در کشور ما، با توجه به آنچه در این مقاله گفته شد، به نظر می رسد که قوانین موجود با فعالیت های رسانه ای همگام نیستند و مستلزم تفسیرهای نو و احیاناً بازنگری هستند. همچنین است از یک سو، انعطاف ها و استثنائاتی برای قواعد خشک فعلی پیش بینی شود و از سوی دیگر قواعدی برای رفع خلاءهای موجود تدوین شود. بر این اساس، به نظر می رسد که اتخاذ تدابیر می تواند مفید باشد:

۱. انواع دادرسی ها و اطلاعات قضایی بر اساس اهمیت و ارزش خبری آنها مورد توجه قرار و نسبت به دادرسی های حائز نفع عمومی نظیر محاکمات سیاسی و مطبوعاتی و محاکمات به امور اجتماعی و فرهنگی، احکام خاصی پیش بینی شود به نحوی که آزادی بیشتری پوشش رسانه ای این نوع محاکمات فراهم شود.^۱

۲. با توجه به اصل بودن علنی بودن محاکمات و استثنایی بودن محاکمات غیرعلنی و با لزوم به تفسیر مضیق استثناء (قاعده الضرورات بقدرها)، منع یا محدود کردن دسترسی رسانه ها به دادرسی ها با ضرورت ها متناسب شود و چنانچه برای اجتناب از یک مفسد، جزئی از یک عمل لازم باشد به منع کلی توسل جسته نشود.

۳. بین دسترسی به دادرسی های محاکم عالی و رسیدگی کننده به اعتراض (محاکم تجدید دیوان عالی کشور) و محاکم بدوی تفکیک صورت گیرد. شیوه و حدود دسترسی رسانه هر یک از این رسیدگی ها باید به نحو متفاوتی تعیین شود.

۴. برای دسترسی رسانه ها به محاکمات کیفری و غیر کیفری (اعم از مدنی و اداری قضایی)، احکام متفاوتی پیش بینی شود.

۵. برای انواع شیوه های دسترسی به دادرسی ها نظیر استفاده از وسایل ضبط صوت یا تصاویر، صاحبان قضا، احکام و دستورالعمل های اجرایی خاصی پیش بینی شود.

۱. قوه قضائیه از اصطلاح «اطلاع رسانی ویژه» درباره این نوع پرونده ها سخن گفته است. بند ۲-۴ ماده ۲ آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۸۶/۶/۱۹ می گوید در خصوص پرونده های ملی، حساس و مهم و پرونده های که ممکن است بازتاب داخلی یا بین المللی داشته باشد و نیز در ارتباط با اتباع خارجی باید اطلاع رسانی ویژه گیرد.

۶. بین نفس دسترسی به دادرسی ها و اطلاعات قضایی و انتشار یا پخش آنها در رسانه ها تفکیک صورت گیرد.
۷. مقررات خاصی برای نحوه دسترسی به اطلاعات قضایی تنظیم شود و در برخی مصوبات موجود، اصلاحات لازم صورت گیرد.

فهرست منابع

- فارسی

- آخوندی، دکتر محمود، (۱۳۸۷). **آیین دادرسی کیفری**، جلد چهارم: اندیشه ها، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، دکتر محمد، (۱۳۸۳). **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، سمت، چاپ چهارم.
- انصاری، دکتر باقر، (۱۳۸۷). **آزادی اطلاعات**، نشر دادگستر.
- -----، (۱۳۸۶). **حقوق ارتباط جمعی**، انتشارات سمت.
- -----، (۱۳۸۷). **حقوق حریم خصوصی**، انتشارات سمت.
- پوراستاد، دکتر مجید، (۱۳۸۷). **اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی**، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی.
- خالقی، دکتر علی، (۱۳۸۳). **علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین المللی و حقوق داخلی**، **مجله پژوهشهای حقوقی**، شماره ۵.
- ساکت، محمد حسین، (۱۳۶۵). **نهاد دادرسی در اسلام**، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- سنگلجی، محمد، (۱۳۸۲). **آیین دادرسی در اسلام**، فشرده ای از قواعد قضا در اسلام، نشر خط سوم.
- صابر، دکتر محمود، (۱۳۸۸). **آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی**، نشر دادگستر.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
- گلدوست جویباری، دکتر رجب، (۱۳۸۶). **کلیات آیین دادرسی کیفری**، انتشارات جنگل.

- معتمد نژاد، دکتر کاظم و دکتر رؤیا معتمد نژاد،(۱۳۸۶). حقوق ارتباطات، جلد یک کلیات، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
- معتمد نژاد، دکتر کاظم،(۱۳۸۵). حقوق مطبوعات، جلد یکم، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، چاپ چهارم.
- هاشمی، دکتر سید محمد،(۱۳۸۱). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد یکم، چاپ ششم، نشر میزان.

- لاتین

- Background Paper on Freedom of Expression and Contempt of Court, for the International Seminar on Promoting Freedom of Expression With the Three Specialised International Mandates, London, November 2000.
- Bertrand, Andre,(1999).Droit à La Vie Priv é e et Droit à L'image, Edition Litec.
- Department for Constitutional Affairs, Broadcasting Courts, Consultation Paper, [http://webarchive.National archives.gov.uk](http://webarchive.Nationalarchives.gov.uk).
- Colorado Judicial Branch,(2002).Expanded media coverage of court proceedings, May 2, (updated Feb. 21, 2007).
- Comité consultatif sur l'utilisation des nouvelles technologies par les juges, Modèle de politique sur l'accès aux archives judiciaires au Canada, Septembre 2005.
- Copyright Law Review Committee, Issues Paper: Crown Copyright, February 2004.
- Department for Constitutional Affairs, Broadcasting Courts, Consultation Paper, November 2004,<http://www.dca.gov.uk/>.
- Gregory, Peter,(2005).Court Reporting in Australia, Cambridge University Press.

- Herrero, ?lvaro, Gaspar L?pez,(2010).Access to Information & Transparency in the Judiciary, A Guide to Good Practices from Latin America, Working Paper, World Bank.
- Issues Paper 4 (1984) - Community Law Reform Program: Proceedings of Courts and Commissions Television Filming, Sound Recording and Public Broadcasting, Sketches and Photographs,
- Madinger, John,(2000).Confidential informant : law enforcement's most valuable tool, CRC Press.
- Mart?nez, Michael T.,(2009).Cameras in the Courts: A Case for Increased Judicial Transparency, American Journalism Historians Association, Birmingham, Ala.Oct. 7-11.
- McLachlin, Beverley,(2003).Court, Transparency & Public Confidence.
- Miller, C. J.,(2000).Contempt of Court, Oxford University Press.
- New Zealand Law commission,(2006). access to Court records, Wellington, New Zealand, Report 93,
- Report on Access to Court Information, Legislation, Policy &Criminal Law Review Division, June 2008, <http://www.lawlink.nsw.Gov.au/lpd>.
- Report on Access to Judicial Information, March 2009, <http://right2info.org/resources/publications/publications>.
- S.L., Alexander, (2004).Media & American courts: a reference hand book, United States of America.
- S.L., Alexander,(2003).Covering the courts: a handbook for journalists, 2nd ed., United States of America.

Secretary of State for Constitutional Affairs and Lord-Chancellor,
Confidence & Confidentiality, Improving transparency and privacy
in family courts, March 2007, www.dca.gov.uk,

Pigelman AC, J.J.,(2006).The principle of open justice: a
Comparative Perspective, UNSW Law Journal, Volume 29(2).

Stepniak, Daniel,(2008). Audio-Visual Coverage of Courts,
Cambridge University Press.

The Reporters Committee for Freedom of the Press, Access to
Juvenile Courts, 1999, <http://www.rcfp.org/>.